

# معلم مدرن

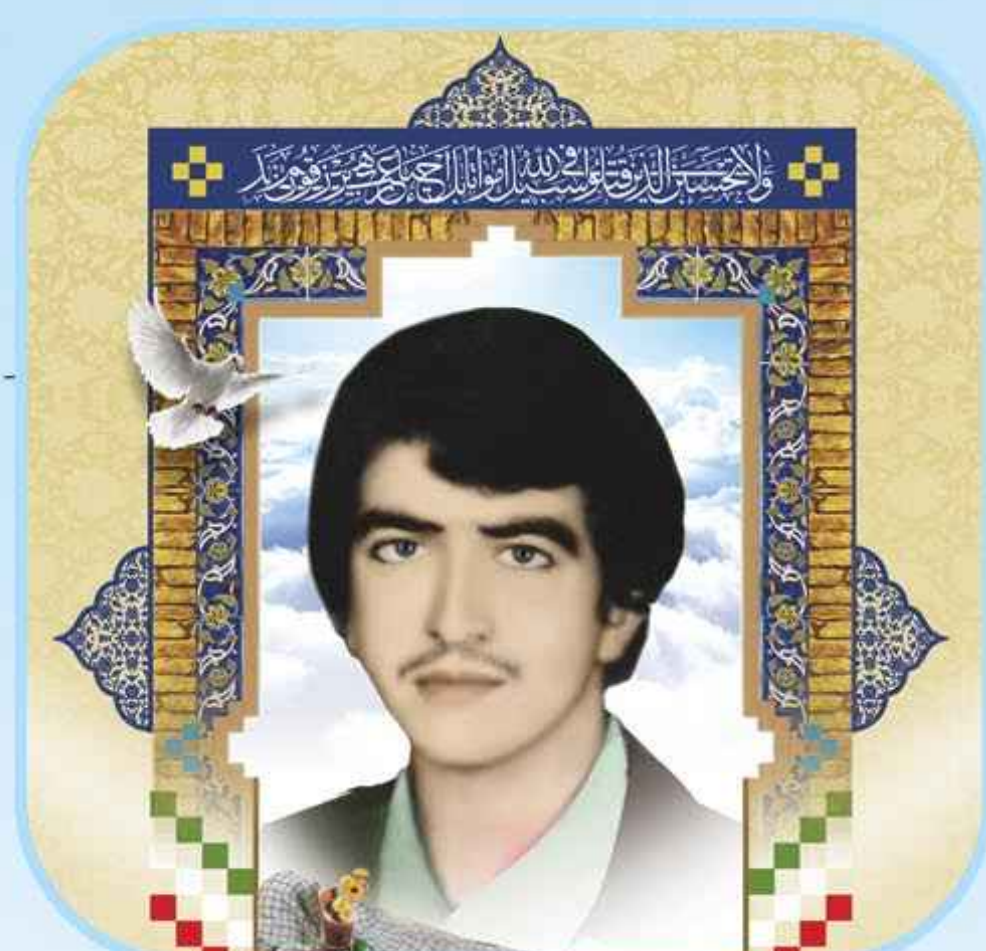
نیمکت های چوبی بیشتر از درختان جنگل میوه می دهند اگر ریشه در تلاش معلم داشته باشند.

مراسم  
بزرگداشت  
روز معلم

به اطلاع همکاران  
عزیز می رسانم، بزرگداشت  
و حق التدریس ها و پاداش ها و  
اضافه کاری ها، همچنان قرار  
بر سه! این قسمت از برنامه شعری  
در این قسمت مناسبت سرودیم  
تقدیم می کنم...



مراسم جشن، داخل اداره



شهید بهمانعلی  
عبداللهی



اعتماد یا اعتبار؟!  
مسئله این است.



حیات طیبہ در قرآن  
وسند تحول بنیادین



مصاحبه با دکتر  
محمد اکبر نژاد



مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنشَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوَةً طَيِّبَةً وَ  
لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

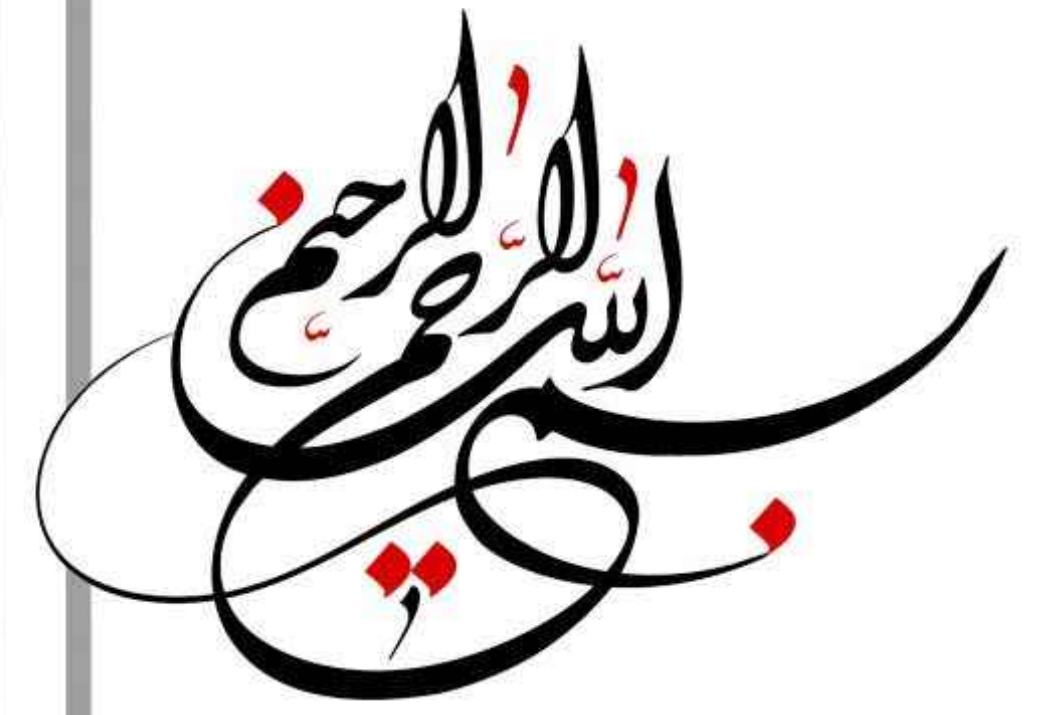
هر کس عمل صالح انجام دهد در حالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می بخشیم و پاداش آن ها را به بهترین اعمالی که انجام دادند، خواهیم داد.

حیات طیبه یعنی زندگی در رویه مادی و نیاز های  
جسمانی و همچنین در لایه ی نیاز معنوی  
چه علمی چه عملی چه روحی  
پاسخگو باشد.



سید خرمسیر





## فهرست

### پدیدآوردگان این نشریه:

صاحب امتیاز: دانشگاه فرهنگیان یزد  
مدیر مسئول: مجتبی خلیلی زارچی  
سر دبیر: حجت دهقانی فیروزآبادی  
مدیر اجرایی: سید رضا میری  
طراح: علیرضا دهقان طزرجانی  
ویراستاران: سیدعلیرضا پورمسجدی  
میلاذ شجاعی نیری  
الکترونیک: مسعود منصوری اردکان  
تایپست: مهدی بیکی  
عکاس: محمد حسن لاله زاری

دکتر محمد اکبرنژاد  
سید علیرضا حسینی نسب  
محمد امین اسدی  
حسین آخوندی  
مجتبی غلامی  
سعید جعفری کافی آباد

- ۱.....سخن سردبیر
- ۲.....برنامه درسی امروز
- ۲.....معلم
- حیات طیبه در قرآن و سند تحول بنیادین
- ۳.....و مدرسه ی صالح
- نکات تربیتی و آموزشی جهت تعلیم و
- ۴.....تربیت بهتر دانش آموزان
- ۵.....مصاحبه با دکتر محمد اکبرنژاد
- ۷.....روش های مدیریت کلاس
- ۸.....من هم پدر دارم!
- ۹.....باید ها و نبایدهای معلمی
- ۱۱.....اعتماد یا اعتبار مسئله این است
- ۱۱.....بچه های رنگارنگ (اختلالات)

سال اول، شماره اول، اردیبهشت ماه ۱۳۹۵، دانشگاه فرهنگیان یزد (پردیس شهیدان پاکنژاد)  
راه ارتباطی:

m.modern1395@gmail.com

www.mdrn.ir



حروف درس الفبای ما معلم بود  
تمام صحبت با یک صدا معلم بود

به روی تخته خوبی همیشه بی پایان  
شروع نام خدا بود، تا معلم بود



نشریه‌ای که پیش رو دارید نتیجه‌ی تلاش‌هایی است که از دل و جان برای آن مایه گذاشته‌شده جهت بالا بردن آگاهی‌های شما و امیدوارم این نشریه شروعی باشد برای به ثمر نشستن استعدادهای شما عزیزان.

منتظر انتقادات و پیشنهادهای سازنده شما جهت پیشبرد کمی و کیفی مطالب در نشریه‌های بعدی هستیم و امیدوارم باهمت و تلاش شما دوستان انتشار این نشریه کماکان ادامه داشته باشد.

نویسندگان این شماره نشریه معلم مدرن؛ کسانی بودند که من، از پیش با آن‌ها آشنایی داشتم البته سعی بر آن بود تا از دوستان بیشتری دعوت به همکاری نمایم اما به هر دلیل در شماره اول، بیش از این مقدور نشد. باین‌همه آرزویمان این است که نشریه دانشجویی معلم مدرن بتواند موجب دوستی‌ها و آشنایی‌های بیشتری شود و در ایجاد فضایی پرسشگرانه در محیط دانشجویی مؤثر باشد.

در پایان از تمامی کسانی که خالصانه در تهیه‌ی این نشریه من را یاری نمودند تشکر نموده و از ایزد منان برای این دوستان توفیق روزافزون آرزو مندم.

با تشکر ویژه از دکتر محمد اکبر نژاد عزیز



منش، دانش، روش و نگرش دانشجو معلمان که قشر جوان و فعال جامعه بوده و دارای جایگاهی خاص در برنامه‌های آموزشی و تربیتی جامعه می‌باشند، دارای اهمیت بسیاری است.

ارتقای موارد ذکرشده و آگاهی بخشی دانشجو معلمان نسبت به منش، دانش، روش و نگرش درخور یک معلم یک نوع سرمایه گذاری برای نسل‌های آینده است و دلایل آن عبارت‌اند از:

آموزش و تربیت از حقوق اساسی شهروندان و لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند. در غیاب هیچ‌یک نمی‌توان به سطح مطلوبی از دیگری دست‌یافت و توسعه توأم و ادغام یافته این دو منافع چشمگیری برای جامعه در بردارد.

دانشگاه فرهنگیان مکان ارزشمندی را فراهم می‌سازد تا در زمان‌ها و مکان‌های مشخص این چهار مورد ذکرشده که به نظر من چهارستون موفقیت یک معلم هستند در دانشجو معلمان نقش بگیرد و همچنین جایگاه دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان نهادی مؤثر در حرکات آموزشی و تربیتی این مکان را به محلی مناسب برای اجرای بسیج‌ها و ترویج شیوه‌های سالم زندگی معلمی در جامعه مطرح می‌سازد و چه خوب است در این دانشگاه همان اندازه که به دانش و روش یک معلم بها می‌دهند به منش و نگرش معلم بها دهند تا خروجی این دانشگاه معلمی باشد با چهارستون موفقیت محکم و استوار.

باید باور کنیم که دانشجو معلمان امروز همان معلمان فردا هستند توفیق در افزایش آگاهی‌های معلمی و ایجاد نگرش و رفتار آینده‌نگر در آن‌ها تضمین‌کننده آموزش و تربیت نسل حاضر و آینده کشور است که پایداری برنامه‌های توسعه را به دنبال دارد.

سعی شده است در نشریه معلم مدرن که اسم این نشریه مخفف منش، دانش، روش و نگرش معلم می‌باشد تا آنجا که در توانمان هست هرچند به‌قدر ناچیز جوابگوی نیازهایتان باشیم.



## برنامه درسی امروز



که نیازهای دانش آموزان را باید با دنیایی که مدام در حال تغییر است هماهنگ سازیم. برای رفع این چالش باید مشخص کنیم که از کودکان انتظار داریم تا چه چیزی یاد بگیرند و قادر به انجام چه کاری باشند. برای انجام این کار باید توقف کنیم، تجسم کنیم و انتخاب‌های زیرکانه داشته باشیم، به طریقی که در گذشته معمول بوده روی آوریم و به آینده نیز فکر کنیم. آنچه موجب نگرانی است این است که مرحله حیاتی ((نگاه به آینده)) از بین رفته و به ((آنچه می‌دانیم)) و ((آنچه می‌توانیم انجام دهیم)) محدود شده‌ایم.



سید علیرضا پورمسجدی



افراد موفق در جهان کسانی هستند که تلاش‌های خویش را مبتنی بر نیازهای آتی خود و دیگران نمایند. آنچه در آینده نیاز بشر خواهد بود در حال حاضر می‌بایست مورد کنکاش، آموزش و یادگیری قرار گیرد تا در مقابل ابهامات، بی‌توجهی‌ها و بحران‌های ناشی از آن قرار نگیریم. در دنیایی که هر روز در حال حرکت به سمت تغییر و دگرگونی است، آیا زمانی که دانش آموزان وارد مدرسه می‌شوند احساس می‌کنند وارد مکانی شده‌اند که تربیت آن‌ها را برای آینده بر عهده دارد؟! چالشی که با آن روبرو هستیم این است



## معلم

می‌باشد، هم‌چنین استفاده از قلم و نوشتن برای به عمل درآوردن افکار و دانسته‌های خود اشاره به لال نبودن چه در گفتار و چه در نوشتار دارد که حرف سوم معلم را معنا می‌بخشد و در پایان مواظب از رفتار خود در جامعه و در کلاس درس و بهترین برخورد با دانش‌آموزان و مراقبت از تیپ و لباس و شخصیت و اخلاق معلمی که با فرد عادی باید تفاوت‌های داشته باشد حرف آخر معلم را تکمیل از آن یک انسان کامل به وجود می‌آورد.

**مجتبی غلامی زارچی**

امام علی (ع) فرمودند: معلم دارای سه نشانه است: دانش و بینش، حلم و بردباری، سکوت و آرامش و وقار.

ویژگی‌های معلم و آشنایی با این خصوصیات یکی از وظایف اولیه‌ی معلمان می‌باشد که بدون دانستن و آگاهی از آن نمی‌توان به آن جامعه‌ی عمل پوشاند. این خصوصیات در خود کلمه‌ی میم معلم نیز قابل جستجو است. مؤدب بودن معلم مستلزم آشنایی با آداب معاشرت و رسوم اجتماعی، مراعات شخصیت دیگران و احترام به کوچک‌ترها و بزرگ‌ترها می‌شود که کلمه‌ی معلم به خود اختصاص می‌دهد. خلاقیت داشتن و تأکید نکردن به یک روش خاص و بیرون آمدن از عادت‌های گذشته و عادت‌ی نشدن به هر کس یا هر چیز عین کلمه‌ی معلم را در برمی‌گیرد. یکی از ویژگی‌های مهم معلمان داشتن قدرت بیان و لحن زیباست که در امر تدریس نیز از واجبات می‌باشد







حیات طیبہ در قرآن و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مدرسه صالح در حیات طیبہ:

تعبیر "حیات طیبہ" در قرآن مجید تنها در سوره نحل آیه ۹۷ آمده است. در این آیه می‌خوانیم: "مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوَةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ" یعنی: هر کس عمل صالح انجام دهد در حالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می‌بخشیم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام دادند، خواهیم داد. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش حیات طیبہ را این‌گونه معرفی کرده است، وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب بر اساس نظام معیار اسلامی (مبانی و ارزش‌های مقبول دین الهی) است که تحقق آن باعث دستیابی به غایت زندگی یعنی قرب الی الله خواهد شد. این‌گونه زندگانی مستلزم ارتباط آگاهانه و اختیاری با حقیقت هستی و تشدید رابطه با او در همه شئون فردی و اجتماعی زندگی است که باید بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه نظام معیار مناسب با دین اسلام باشد. بنابراین، یکی از مشخصات اصلی

حیات طیبہ، تکیه بر ارزش غایی زندگی -قرب الی الله- و نظام معیار متناسب با آن یعنی مبانی و ارزش‌های مقبول دین اسلام است. زیرا با توجه به لزوم پذیرش ربوبیت خداوند متعال، به‌عنوان یگانه رب حقیقی جهان و انسان، این نظام معیار، جهت اساسی نحوه تحقق حیات طیبہ را در همه مراتب و ابعاد آن مشخص می‌نماید. بنابراین انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه نظام معیار ربوبی و انطباق همه ابعاد زندگی با این نظام (تقوا)، وجه تمایز اساسی حیات طیبہ از زندگی غیردینی (=سکولار) رایج محسوب می‌شود که نقطه اوج و حقیقت آن در جامعه جهانی مهدوی محقق می‌گردد.

لذا ما معلمان با نقشه راه قرار دادن الگوی حیات طیبہ به غیراز تقوا، عمل صالح را نیز می‌توانیم در دانش‌آموزانمان نهادینه کنیم و با آشنا کردنشان با این موضوع که ایمان و عمل صالح دو ستونی است که حیات طیبہ بر آن استوار است هر گامی که آن‌ها در راه انجام اعمال صالح برمی‌دارند به ایمان خود می‌افزایند و ازدیاد ایمان و رشد و پرورش روحی، کردار شایسته را به دنبال دارد و کردار شایسته هدف تربیت است و استفاده از این نقشه راه توسط معلمان هر مدرسه آن مدرسه را به مدرسه صالح تبدیل می‌کند و بر اساس سند تحول بنیادین، مدرسه صالح در حیات طیبہ؛ مدرسه ایست که دانش‌آموزان را به خدا نزدیک‌تر کند و قرب الی الله داشته باشد.

**حجت دهقانی فیروزآبادی**





# نکات تربیتی و آموزشی جهت تعلیم و تربیت بهتر دانش آموزان

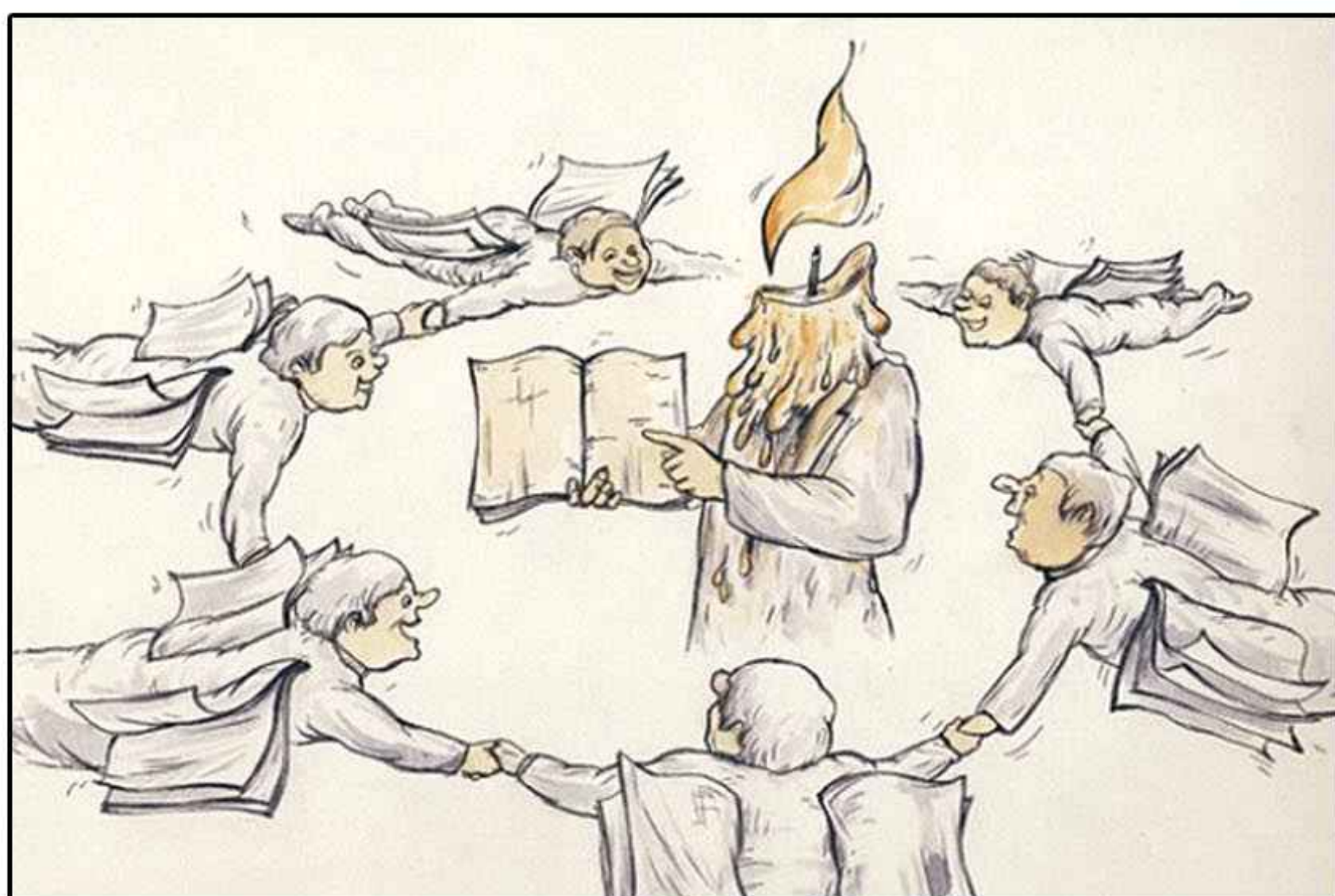
زیرا معلمی بر جهان شغل انبیاست

اگر جان و دل فدای معلم کنم رواست

۷. تکالیف باید تابع توان دانش آموز باشد و مایه ی سرگرمی؛ نه مایه عذاب.
۷. سعی کنید چشم خود را به داشته های دانش آموزان بدوزید نه به نداشته های آن ها.
۹. انتقاد سازنده را همیشه با بیان یکی از ویژگی های مثبت دانش آموزان آغاز کنید.
۱۰. همه ی شاگردان را حد متوسط بدانیم و انتظار معجزه از آن ها نداشته باشیم.
۱۱. فرمول تنبیه را پاک کنید و فرمول تشویق را جایگزین کنید.

سعید جعفری کافی آباد رشته علوم تربیتی ورودی ۹۲

۱. دانش آموزان آن گونه که ما می خواهیم نمی شوند، بلکه آن گونه که هستیم می شوند.
۲. برای رسیدن به هدف های خود در کلاس، مثبت فکر کنید.
۳. برای اثرگذاری بر دانش آموزان، ابتدا باید به خواسته های آن ها توجه کنید.
۴. چشم دانش آموز به رفتار؛ و گوش او به گفتارماست. پس مواظب باشیم چه می کنیم و چه می گوئیم.
۴. نظم کلاس نتیجه تدریس خوب است و تدریس خوب نتیجه ی طرح درس خوب.
۶. بهترین پادزهر معلم برای بدرفتاری دانش آموز این است که مایل باشد به دانش آموز کمک کند.



معلم



تویی تنها کلام روزگارم

معلم مهربان آموزگارم

به من مهر و محبت یاد دادی

به من علم و بصیرت یاد دادی

فرو افتاده همچون خاک باشم

به من آموختی تا پاک باشم

سرپاشوق و در فریاد باشم

تو کفشی کودکی دلشاد باشم

پلیدی ماهمه بر باد دادی

تو از دین و شریعت یاد دادی

تو از عشق خدا کفشی معلم

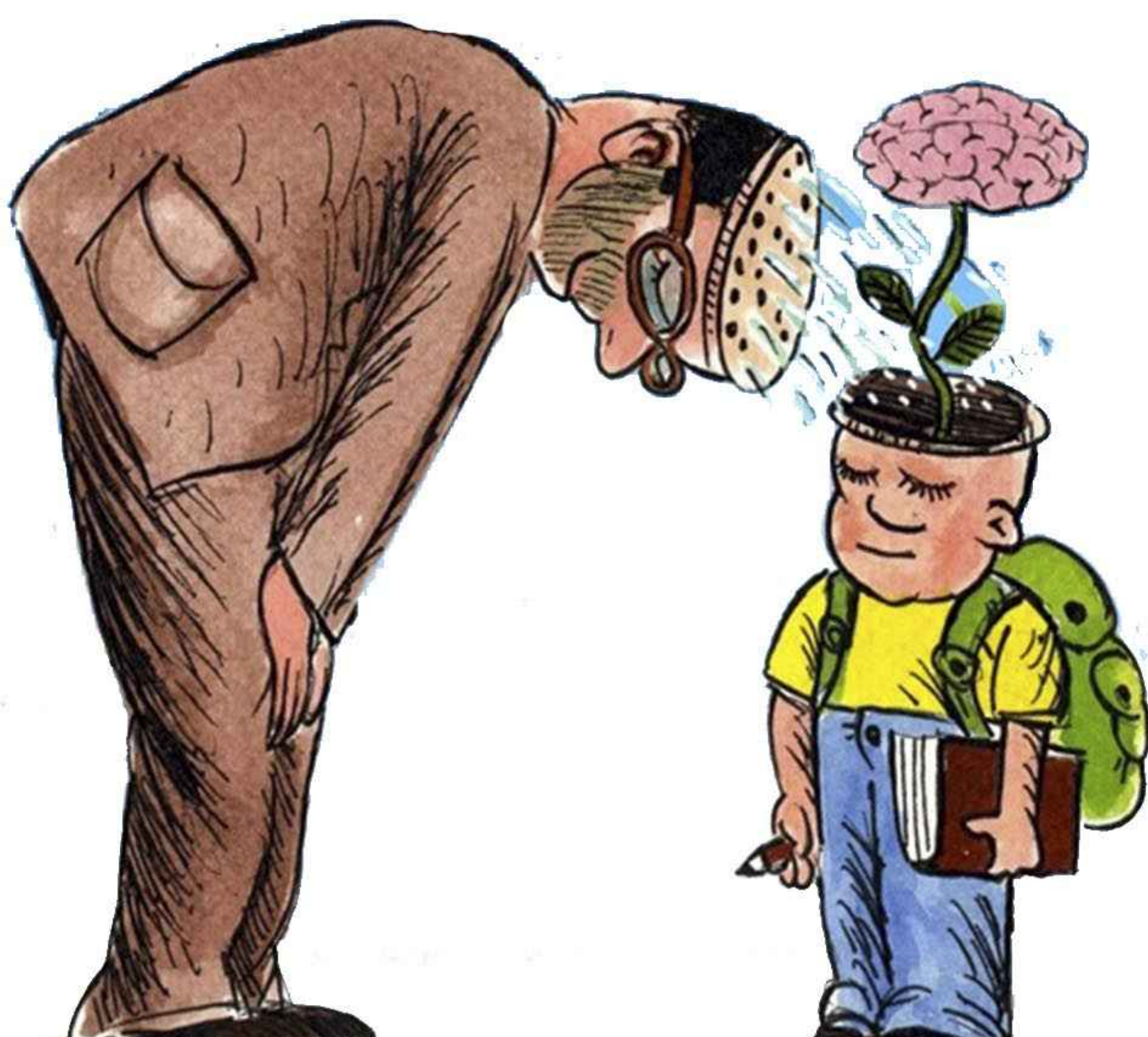
تو از دنیا به ما کفشی معلم

سرایای وجودم بسته می توست

تمام تار و پودم بسته می توست

ز عشقت تا ابد شادم معلم

تو هستی در دل و یادم معلم





## مصاحبه با دکتر محمد اکبر نژاد

معلم و مدیر نمونه کشوری (سال ۹۴)  
مدیر کل نمونه در جشنواره شهید رجایی (سال ۹۰)

عوامل و همچنین مهمترین عاملی که باعث شد تا شما به عنوان معلم نمونه انتخاب شوید چه می باشد؟  
در انتخاب معلم و مدیر نمونه کشوری، مؤلفه هایی چون «تحقیقات، تألیفات، مقالات و توفیقات حرفه ای و شغلی فرد، رضایتمندی دانش آموزان و والدین و...» مورد ارزیابی قرار گرفته و نهایتاً پس از «مصاحبه حضوری علمی و حرفه ای» منتخبین استانهای کشور در سطح وزارتخانه که برای نخستین بار در سالهای اخیر انجام شد، ۴۰ نفر از منتخبین کشور، به عنوان معلم و مدیر نمونه کشوری انتخاب می گردند.

فلسفه آموزش و پرورش کشور ما ایران را در یک جمله بیان کنید؟  
نظام فلسفی آموزش و پرورش ما در شعار می گوید رئالیسم اسلامی هستیم اما در عمل به دنبال ایده آلیسم هستیم و یعنی همه چیز فقط در حد نوشتن طرح و ایده دادن است تا اینکه بخواهیم به صورت عملیاتی کاری کنیم.

به نظر شما نظام تعلیم و تربیت ما با ایده آل ها چقدر فاصله دارد؟  
طی سال های اخیر تلاش های خوبی صورت گرفته که شعار ها را در نظام تعلیم و تربیت عملیاتی کنیم اما اینکه بگویم توانسته ایم به همه نیاز های آموزش و پرورش ایده آل دست یابیم؟ باید گفت خیر و هنوز فاصله زیادی تا ایده آل ها داریم.  
تا زمانی که محصول آموزش و پرورش ما که همان تربیت انسانی با مراتبی از حیات طیبه است حاصل نشود نمی توان گفت که هدف بزرگ آموزش و پرورش اسلامی محقق شده است.

جایگاه پرورش در آموزش و پرورش کشور ما کجاست؟  
امروز در آموزش و پرورش تنها به بعد آموزشی توجه شده و پرورش به صورت تقریبی مورد غفلت واقع شده که امیدواریم با تحقق و اجرا شدن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به این مهم دست یابیم اگر یک معلم در تربیت دانش آموزی خطایی را مرتکب شود نسل ها باید تاوان آن را بپردازند بنابراین نتیجه نهایی کار معلم را نمی توان در کوتاه مدت دریافت کرد بلکه پس از گذشت یک دوره است که می توان اثر فرهنگی آن را در جامعه لمس کرد.  
لازم است تا معلمان ما آینده نگری داشته باشند و هم باید بستر کار طوری فراهم شود که آموزشی را برای دانش آموزان در نظر بگیرد که آینده جامعه را تامین کند به بیان دیگر معلم باید دو اصل تربیتی عصر و نسل را مد نظر قرار دهد اگر نیازهای آموزش و پرورش به درستی شناخته شود اقدامات بهتری برای پیشرفت انجام خواهد شد.

ویژگی های یک معلم موفق از دیدگاه شما چیست؟  
معلم موفق، معلمی توسعه یافته در چهار ساحت «منش، دانش، روش و نگرش» می باشد که با اتکاء به این چهار محور، می تواند به توسعه برانگیزی دانش آموزان و سیستم آموزش و پرورش کمک نماید. لذا می توان گفت که «تغیّر و تحرّک» متناسب با شرایط «عصر و نسل»، رمز بقا و بالندگی معلمان موفق و پیشرو به شمار می آید.





این افتخار در سال ۹۴ نصیب بنده شد که به عنوان مدیر و معلم نمونه کشوری، برای جامعه فرهنگی استان افتخار آفرین باشم.

اما از مهمترین مسائلی که باعث شد بنده به عنوان معلم نمونه انتخاب شوم این بود که هیچ گاه حالت ایستایی نداشتم و همواره سعی کردم همراه دانش آموزان خود رشد کنم و سطح معلوماتم را بالا ببرم.

معلم مهمترین عنصر فرهنگی جامعه است و فعالیت فرهنگی معلم در طول زمان مشخص می شود.

شیرین ترین خاطره از دوران تحصیل خودتان؟  
شیرین ترین خاطره دوران تحصیلم... اولین باری بر میگردم که در پایه سوم دبستان، به اصرار و اجبار مدیر دبستان شهید احمدی، جناب آقای کوشان مقدم، پشت میکروفون مدرسه قرار گرفتم تا دعای صبحگاهی را بخوانم و بعد از خواندن دو فراز از این دعا، از خجالت پا به فرار گذاشته و با پای برهنه تا منزلمان دویدم و بعد از ساعتی مدیر دبستان به منزلمان آمده و مرا با خود به مدرسه بردند و باز چند روز بعد مرا مجبور به خواندن دعا کردند و البته پشت سر من ایستادند تا مجددا فرار نکنم و اینگونه شد که ترس از میکروفون و صحبت در جمع را در من خاموش کردند.

به نظر شما مهمترین چیزی که باید در برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان قرار بگیرد؟

به نظر من آنچه در برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان کمرنگ تر است تربیت دانشجویان در حوزه های it و ict و زبان خارجه و پژوهشگری و نویسندگی است و نیز کارسوق های عملیاتی مثل بازیهای دانش آموزی، تحلیل نقاشی کودکان، مواجهه سازنده و درمانگری با اختلالات رفتاری بچه ها چون استرس، ناخن جویدن و... و نیز دیدار با معلمان پیشکسوت و سالمند و تجربه اندوزی از آنان است.

و در پایان توصیه ی پدرا نه شما به ما دانشجو معلمان:  
«تصور آینده ی بهتر» در واقع مؤثرترین و قوی ترین سمت دهنده به «فکر و برنامه و فعل» بشر است. همه امیدها، کوشش ها، ابتکارات و یادگیری های آدمی از این سرچشمه می جوشد. همچنین همه ترس ها، پاسخ ها، نگرانی ها، سکوت ها و آرامش ها و پرهیزهای آدمی، به خاطر اطمینان یا عدم اطمینان از آنچه «آینده ی بهتر» معنی کرده است عارض می شود. یعنی اگر کسی در موقعیتی قرار گیرد که نتواند آینده بهتری برای خودش یا جامعه اش متصور شود، چنین احساس می کند که هیچ سمت و سویی در «فکر و برنامه و فعل» ندارد، افکارش او را به حرکت در نمی آورد، و حرکاتش محرک فکر کردن او نمی شود. در حالی که ظاهرا زنده است و نفس می کشد. اینجاست که «تحرک و تغییر»، رمز بقا و بالندگی افراد بویژه معلمان آینده به شمار می آید، که:

به سان رود؛

که در نشیب دره سر به سنگ می زند، رونده باش،  
امید هیچ معجزی، ز مرده نیست، زنده باش.

لذا توصیه دوستانه من به نسل نو معلمان کشورمان این است که با نگاه به «آینده ی بهتر» قدر لحظات شیرین و پویای کنونی خود را دانسته و در سه حوزه «دل، دست و دماغ» خود را بارور نمایند.

دکتر محمد اکبر نژاد







# مدیریت کلاس

مدیریت رفتار موثر با دانش آموزان یعنی داشتن روابط مثبت با آنان. این یک واقعیت است که ارتباط مثبت، پیوند محکمی بین معلم و دانش آموز برقرار می کند و بدون این پیوند توان معلمان برای تحت تاثیر قرار دادن و هدایت کردن دانش آموزان، ضعیف و تقریباً بی نتیجه خواهد بود.

## روش های مدیریتی کارآمد

### ۱. تمرکز

از نکات مهم این است که در ابتدای تدریس توجه تمامی دانش آموزان به موضوع درس جلب شده باشد و سعی شود در حالی که دانش آموزان در حال خوش و بش کردن هستند به آنان آموزش داده نشود.

### ۲. بیان خواست ها به صورت واضح

عدم اطلاع دقیق دانش آموزان از برنامه کلاس باعث افزایش هیجان و استرس در دانش آموزان می شود، معلم برای جلوگیری از چنین موقعیتی باید در مورد برنامه کلاس با دانش آموزان صحبت کند.

### ۳. نظارت

در این روش معلم باید در حال قدم زدن باشد به طوری که پس از حدود دو دقیقه یک دور کامل در کلاس زده باشد در این روش معلم به تکلیفی که به دانش آموز داده نظارت میکند به سوالاتشان پاسخ میدهد و به دانش آموزان ضعیف نیز کمک میکند.



## روش های مدیریتی ناکارآمد

### ۱. استفاده از مقررات خشک

در این حالت دانش آموزان وظایف خود را با اکراه انجام می دهند و کلاس خشک و سکوت حکمفرماست و دانش آموزان برای شکست این سکوت کار های غیر معمول انجام میدهند از طرف دیگر در این روش خود معلم نیز تحت فشار است.

### ۲. استفاده از پند و اندرز

اگر چه فی نفسه پند و اندرز خوب است ولی نمیتوان آن را به عنوان روشی برای مدیریت کلاس انتخاب کرد زیرا باعث کاهش اعتماد به نفس در دانش آموزان می شود و دانش آموز در چنین موقعیتی سعی می کند از معلم فرار کند.

تعامل کم	تعامل زیاد	
سبک قدرت طلب	سبک مقتدر	کنترل زیاد
سبک افراطی و بخشنده	سبک آسان گیر	کنترل کم

بارمید ۱۹۷۱

مترجم؛ سلیمانی، سیمین، کلاس با انضباط با یازده روش

محمد امین اسدی





## من هم پدر دارم!

می‌لرزیدم. از ترس مرده بودم. خانم معلم دفترش را باز کرد و شروع کرد به صدازدن بچه‌ها طبق حروف الفبا: هلن تذکر؟ پدرم گفت دو دلار و پنجاه سنت می‌دهد. خیلی خوب است هلن! راستی که خیلی خوب است. این حرف احساس خیلی خوبی به من داد. چیز زیادی برای گذاشتن روی دو دلار و نیم لازم نداشتم. من تقریباً به اندازه سه دلار به صورت سکه‌های ده سنتی و بیست و پنج سنتی توی جیبم داشتم. دستم را توی جیبم فروبردم و سکه‌ها را توی مشتم فشردم و منتظر ماندم تا خانم معلم اسم مرا بخواند؛ اما او پس از آن که اسم همه بچه‌های توی کلاس را خواند دفترش را بست! من بلند شدم و دستم را بالا بردم. حالا دیگر چه شده؟ شما مرا فراموش کردید. معلم رویش را به سمت تخته‌سیاه برگرداند و گفت ((من وقت ندارم با تو بحث کنم، ریچارد!)) پدرم گفت که ... ریچارد سر جای ت بشین! توداری کلاس را به هم می‌زنی. پدرم گفت که او پانزده دلار می‌دهد. معلم برگشت. از عصبانیت دیوانه شده بود: ما این پول‌ها را برای تو و امثال تو جمع می‌کنیم آقای ریچارد گریگوری! حالا اگر پدرت می‌تواند پانزده دلار بدهد پس بیخود دارید از خیریه استفاده می‌کنید. خانم! پولی را که گفتم همراهم است، همین‌جا همراهم است. پدرم آن را به من داد که امروز به شما بدمش. پدرم گفت که ... او همین طور که یک راست به من نگاه می‌کرد و درحالی که سوراخ‌های بینی‌اش باز و بسته می‌شد، لپ‌هایش فرو می‌رفتند و چشمانش از حدقه بیرون می‌زدند، داد زد: ((و از آن گذشته، همه ما می‌دانیم که تو پدر نداری.))

هیچ وقت احساس تنفر و شرم را در خانه نیاموختم. برای این کار لازم بود به مدرسه بروم. هفت ساله بودم. آن وقت‌ها من کشته‌مرده دخترک کوچولویی به نام تذکر بودم. معلم‌ها هیچ وقت علاقه‌ای ندارند بفهمند که تو نمی‌توانی حواست را جمع کنی، چون گرسنه‌ای، چون از صبح تا حالا یک لقمه غذا نخورده‌ای. تنها چیزی که می‌توانی به آن فکر کنی رسیدن ظهر است! یعنی هیچ‌گاه خواهد رسید؟ شاید آن وقت فرصتی دست دهد و بتوانی سری به رختکن بزنی و از ناهار یکی از بچه‌ها که توی جیب پالتویش گذاشته یک لقمه بدزدی، یک لقمه از هر چیزی که باشد. خمیر! شاید خمیر یک غذای درست و حسابی برای شما نباشد و شاید نتوانید با آن ساندویچی برای خودتان درست کنید، اما راستش من گاهی چند قاشق پر از آن را از ظرف خمیری که در آخر کلاس مان بود کش می‌رفتم. پنج‌شنبه بود. یک روز قبل از اعانه برای سیاه‌پوستان. همیشه جمعه‌ها اعانه‌ها جمع می‌شد. معلم از بچه‌ها یکی یکی سؤال می‌کرد که پدرشان چه قدر حاضر است به صندوق اعانات بپردازد. جمعه شب ها، بچه‌ها از پدرهایشان پول را می‌گرفتند و دوشنبه بعد به مدرسه می‌آوردند. تصمیم گرفته بودم همان روز برای خودم یک پدر بخرم! من از محل برق انداختن کفش مردم و فروش روزنامه مقداری پول به دست آورده بودم و می‌خواستم هر مبلغی را که هلن تذکر از جانب پدرش قول می‌داد که بپردازد، بالاترش را بگویم و نقد هم بپردازم. نمی‌خواستم تا روز دوشنبه برای صاحب پدر شدن صبر کنم.





داستان ما احساس تنهایی و حقارت نکند؟! پاسخ را شما بدهید.

حسین آخوندی  
اقتباسی از زندگی نامه دیک گریگوری



هَلَن تَذْکَر بَرگِشْت و بَه مَن نَگَاه کَرْد. چشمانش پر از اشک بود. او دلش برای مَن می سوخت. بَعْد مَن دِیگَر او را دَرست نَتوانسْتَم بَیْنَم، چُون مَن هَم زَدَه بُوْدَم زِیَر گَریه! کَسانی کِه اِیْن مَطْلَب را می خوانند قَرار است دَر آینده ای نَزْدِیک وارد حَرفه معلمی شوند. با خواندن اِیْن داستان واقعی شما برای پسرِچِه ای کِه تَنها ۷ سال دارد دَر احساس همدردی می کنید اما باید دانست کِه شاید روزی ما نیز شاهد برخورد با چنین کودکانی باشیم. بَه نَظر شما رَفتار معلّم باید چگونَه می بود تا پسر

## باید ها و نباید های معلمی

شهید مطهری: وقتی نام اساتید خود را می برد با احترام و تعظیم بسیار زیاد از آنان تجلیل می نمود، به طور مثال وقتی از مرحوم علامه طباطبایی یاد می کرد، می فرمود: **روحی فداه** یعنی جانم فدای او باد. به اسکندر گفتند: چرا معلم خود را بیش از پدر، بزرگ می شماری؟ گفت: زیرا پدر من مرا از عالم ملکوت به زمین آورده و استاد مرا از زمین به آسمان برده است.

سخنی زیبا از امام صادق ارزش مقام معلم را به خوبی روشن می کند: تمام جنبندگان روی زمین و ماهیان دریاها و هر کوچک و بزرگ در زمین و آسمان خداوند برای آموزگار خوبی ها طلب آمرزش می کنند... اگر بگوییم مقام معلم از پدر و مادر بالاتر است اغراق نکرده ایم. امام خمینی (ره): معلم امانت داری است که غیر همه ی امانت ها، انسان امانت اوست.

### لغزش های معلم (نبایدها):

۱. تنبیه بدنی و انتقام جویی
۲. جدال و پرخاشگری
۳. دشمنی و کینه توزی
۴. لجاجت
۵. پیمان شکنی
۶. عدم هماهنگی با برنامه های مدرسه
۷. بی احترامی به همکاران
۸. شکسته نفسی
۹. خجالت کشیدن

### وظایف معلم (بایدها):

۱. آگاهی از مهارت های آموزشی و اصول تربیتی
۲. تسلط بر درس
۳. دارا بودن طرح و برنامه درسی
۴. ایجاد انگیزه درسی
۵. توجه به صفات اخلاقی و پرورش آن ها
۶. ارائه روش های یادگیری
۷. نظارت بر فعالیت های دانش آموزان
۸. شناسایی استعدادها و شکوفایی آن ها
۹. آگاهی دادن

سیدعلیرضا حسینی نسب

کتاب معلم موفق اثر حسین دهنوی





# بعد از هر روز صبح من!

هر روز صبح من!!!

نمی دانم چه شده است، اما فکر کنم همه گیر شده باشد! "ایشالله استاد نمیداد" چند روزی است اولین جمله بعد از بیدار شدنم از خواب همین شده و بار دیگر سرم را زیر پتو می کنم و این دعا را چند باری تکرار می کنم شاید از میانه یکی کارگر شود!!! بعد از آن کشاکش شدیدی در درونم شکل می گیرد، یک حس در درونم فریاد می زند استاد نمی آید، اما حس دیگری که بسیار ناخوشایند است می گوید پاشو استاد میاد!!! این روزها می بینم که این تنها مشکل من نیست بلکه خیلی ها دچار این مسئله شده اند، همین چند روز پیش یکی از دوستانم کنفرانس داشت، هفت هشت دقیقه قبل از کلاس بیدار شد تا به کلاس برود اما دیگران دلداریش دادند که صبح به این زودی استاد که بیکار نیست بیاد، تو هم بگیر بخواب. او هم دل به گفته دوستان خوش کرد و خوابید. ساعت پنج دقیقه از هشت گذشته بود و تلفنش زنگ خورد که بیا کلاس، استاد اومده!!!

او هم در یک عکس العمل خیره کننده، طی چند دقیقه خود را به کلاس رساند، لپ تاپش را روی تریبون گذاشت تا هم گروهی های دیگرش بیایند چند دقیقه ای با سیم ویدئو پرژکتور ور رفت، یکی از هم گروهی هایش با کنترل و دیگری با اسپیکر وارد شد، استاد هم بنده خدا ماتش زده بود که چه بر سر این دانشجویان آمده است.

شرح حال زندگی ما دانشجویان را اینجا می گویم، شاید مسئول آموزش با خواندن این مطلب گریه اش گرفت و رحمی به ما کرد.

ساعت هشت صبح با چشمانی که تازه خود را از بند خواب رها کرده باید به کلاس بیایم و به استاد زل بزنیم بارها استاد ها گله کرده اند، خوب چه کاریست ساعت برگزاری کلاس را عوض کنید!!!

ساعت ده که می شود خدا می داند گرسنگی طاقتمان را می برد و اصلا معده اجازه درک یک کلمه از حرف استاد را نمی دهد!!! حالا عجیب تر این که ساعت دو بعد از ظهر که گریه های دانشگاه هم بعد از خوردن نهار و زنده ماندن!!! دراز کشیده اند، من دانشجو باید از خواب عصرانه خودم بزنم و به کلاس بروم!!! ساعت چهار بعد از ظهر هم که خستگی مفرط حاصل از این همه تلاش و حضور فعالانه در کلاس درس و همچنین دوری راه و نبود وسیله و... اصلا محال است فهمیدن درس!!! پس چرا کلاس!!!

مجتبی خلیلی زارچی





# اعتماد اعتبار مسئله این است

سخن گفتن از جایگاه معلم به طور مطلق و جدا از متن، ممکن نیست و این پرسش را به ذهن می آورد که جایگاه معلم در کدام جامعه مورد نظر است، جامعه سنتی؟ جامعه مدرن؟ یا شاید روزی در جامعه پسامدرن؟ شاید رفت و برگشتی در مسیر تاریخ تمدن انسانی، منشا تناقض فرهنگ و واقعیت را در مورد جایگاه معلم، تا حدودی بر ایمان روشن کند.

معلم بودن در دوران حکومت سنت بر جهان، احتمالا آنچنان ارزشمند بوده است که زرتشت در اوستا با افتخار خود را معلم بنامد. در دوره ای دانستن نه برای توانستن، بلکه در نفس خود ارزشمند تلقی می شده و معلم به عنوان منبع این دانش کمیاب اما فی نفسه ارزشمند، جایگاهی بی نظیر داشته است. در زمانه ای که دسترسی به کتاب و مهم تر از آن معلم مستلزم رنج بسیار بود، این کمیاب بودن منابع معرفتی، از دلایلی بود که قدر و ارزش آن را نزد طالبان علم بالا می برد. از سوی دیگر، در عصر سنت که با محوریت ارزش های متافیزیکی مشخص می شود، حکومت برخی ارزش ها بر جامعه، همچون فقر و قناعت، تهذیب نفس برای رسیدن به رستگاری و آموختن دانش به منظور وسعت دید و درک هستی، موجب می شد که معلم در عین فقر از جایگاهی والا نزد مردم برخوردار باشد. معلمانی که با عشق به دانایی تدریس می کردند و فقر و قناعت را پیش می گرفتند، نسبت به کسانی که درآمد در نظرشان مهم تر بود با توجه به ارزش های رایج در عصر سنت، احتمالا جایگاهی رفیع تر نزد جامعه داشتند.

سید رضا میری

مقصود از "منزلت معلم" در این بحث، احترام مثبتی است که افراد جامعه به لحاظ ذهنی برای معلمان قائل هستند. با به دست آمدن یافته های پژوهشی مبنی بر پایین بودن منزلت اجتماعی معلمان از نظر دانش آموزان، وجود رابطه بین عوامل مادی، خصوصیات حرفه ای و پایگاه اجتماعی معلمان و وجود شواهدی مبنی بر اینکه مشغولان به تحصیل در مراکز تربیت معلم به ندرت اولین انتخاب شغلی خود را معلمی قرار می دهند، این تصور قوت می گیرد که روندی کاهشی در جایگاه و منزلت معلمان اتفاق افتاده است. هر چند به نظر می رسد این مسئله، روندی جهانی است؛ چنانچه در گزارش دومین گردهمایی سازمان بین المللی کار این نتیجه حاصل شد که موقعیت معلمان به مرحله فوق العاده پایینی تنزل کرده است، اما برای پرداختن به این موضوع که در یک جامعه سالم، منزلت معلم در ذهن مردم به طور آرمانی چگونه است، ابتدا لازم است چارچوب گفتمان خود را مشخص کنیم.

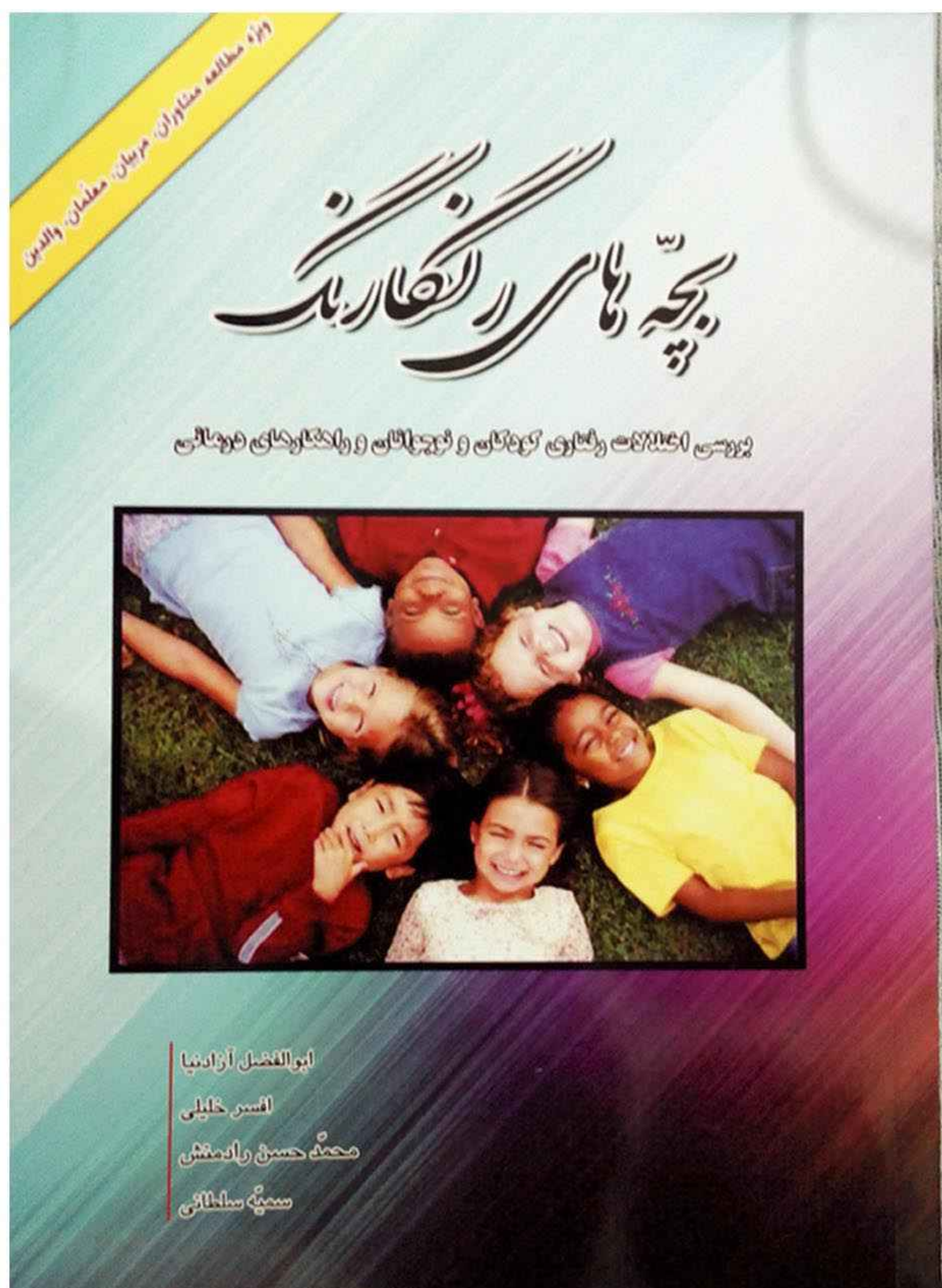
## بچه های رنگارنگ

فرزندان ما بر اساس فطرت الهی به دنیا می آیند و با اثرپذیری از زن، محیط، اجتماع و خانواده، هر کدام به رنگی درمی آیند

- \* برخی کمرو، برخی پر خاشگر، برخی بیش فعال و برخی آرامند.
- \* برخی با دقت، برخی بی دقت، برخی عجول و برخی صبورند.
- \* گاهی لجباز، ترسو، کم خواب، بزهکار یا دروغ گویند

**وظیفه ما این است که آنان را بپذیریم و در مسیر تعلیم و تربیت صحیح و به سوی انسان کامل هدایت نماییم.**

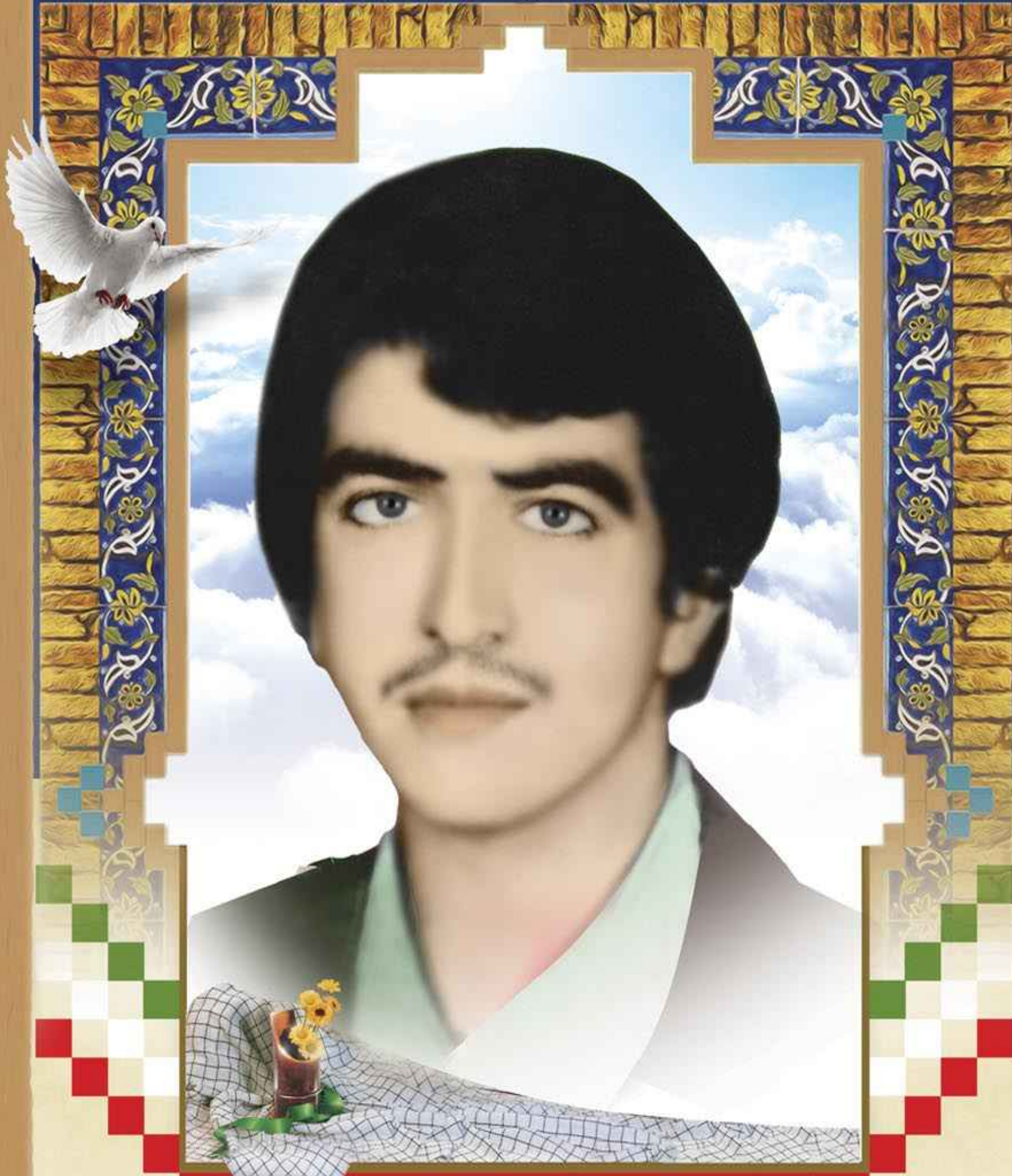
نویسندگان: افسر خیلی، ابوالفضل آزاد نیا  
محمد حسین راد منش، سمیه سلطانی





# وصیت نامه شهید

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَكُونَنَّ لَهُ شُكْرًا



دانشجوی شهید  
بمانعلی عبداللہی

تاریخ تولد	۱۳۴۲
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۴/۲۳
محل شهادت	شلمچه
محل دفن	مهریز - بغداد آباد

کرد؛ بعد از بازگشت بی قرار و ملکوتی شده بود و در عملیات بیت المقدس شرکت جست. بمانعلی بعد از آن چند روز در کلاس شرکت کرد و تنها در امتحان ۳ درس حضور یافت و با اعلام کاروان راهیان کربلا به جبهه رفت و این دفعه در عملیات رمضان همراه دلاور مردان بود و سرانجام در شب عید فطر در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۳ بر اثر اصابت ترکش به پهلوی راست کبوتر روح پر فتوحش تا سراییده کربویان به پرواز درآمد.

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم  
موجیم که آسودگی ما عدم مانست

بسم الله الرحمن الرحيم  
"وَمَنْ يَقْتُلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا"  
سوره نساء آیه ۷۴  
و هر کس در راه خدا جنگ کند پس کشته یا فاتح گردد به زودی او را اجر عظیم عطا کنیم.  
در عظمت مقام شهید همین بس که شخصیتی مثل امیرالمؤمنین در آرزوی آن بوده و برای رسیدن به آن دعا می کند. خدایا! تو را شکر می کنم که به من توفیق دادی که تا کوچکترین و ناقابل ترین کالای خود را در راه پیاده کردن احکام مقدس و توحیدی ملکوتیت عطا کنم.

بارالها! سپاس بیکران بر تومی نمایم که توفیق جهاد در راهت به من عطا نمودی، خدایا! تو بر من توفیق دادی که به ندای ملکوتی حسین زمان که می گوید "هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يُنْصُرُنِي" لبیک گفته و به کمک او شتافته و این جان ناقابل خود را در راه پاکش که همانا راه انبیا می باشد، نثار نمایم.  
ای خدا! ای تو در قلب من جا گرفته، تو را بی نهایت سپاسگزارم که به من توفیق دادی تا در جنگ با دشمنان اسلام اصیل که همانا یاری امام زمان حضرت ولی عصر (عج) است شرکت جسته و جان ناقابل خود را تقدیم اسلام عزیز سازم.

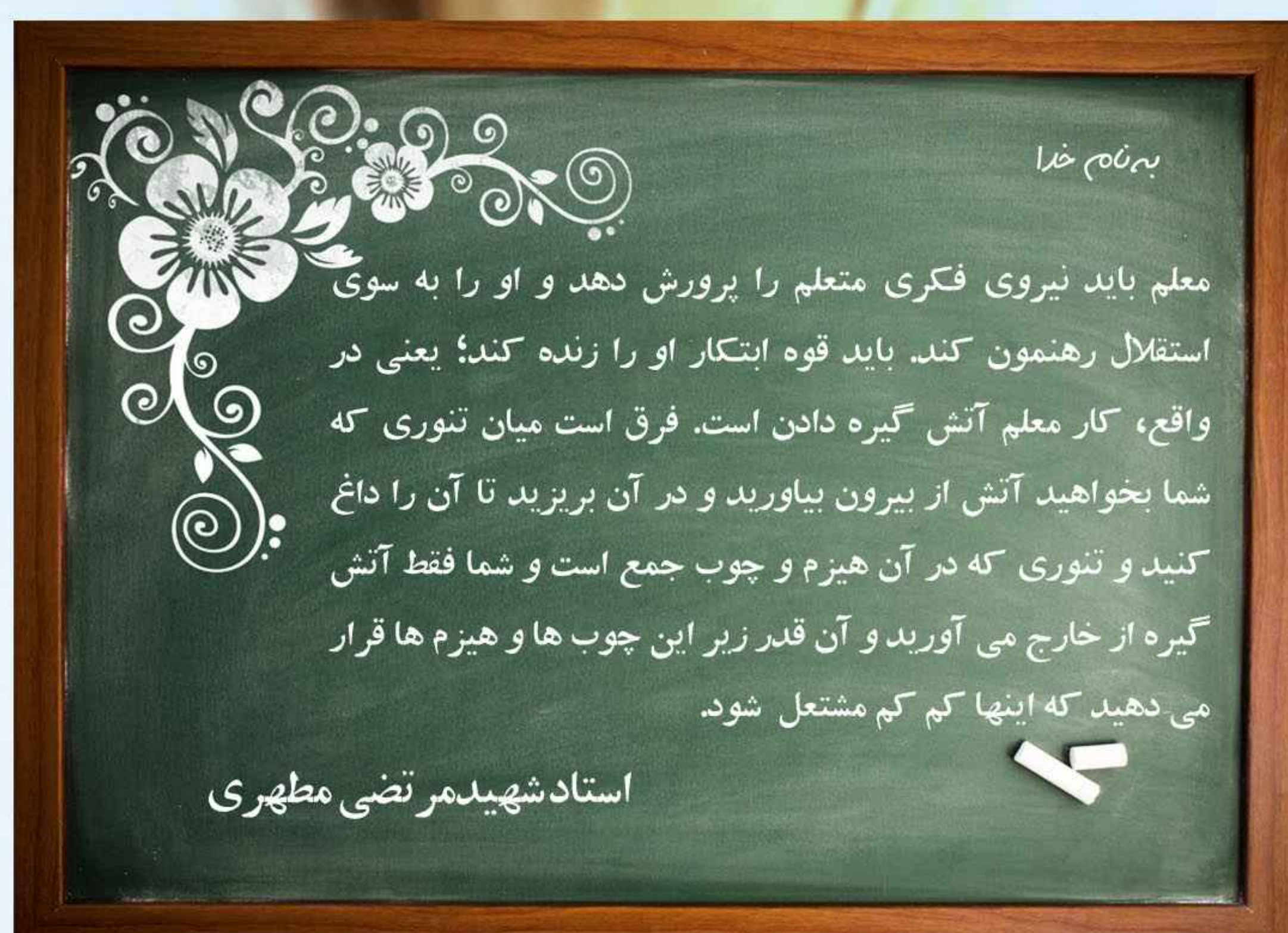
ای برادر و توای خواهری که ندای من را می شنوی! بدن که تنهایاری دهنده و نیرو دهنده مسلمین در موقعیت کنونی ولایت فقیه و خط امام است، پس این تکلیف تو است که قاطعانه از خط اصیل و مکتبی امام پشتیبانی نمایم که پشتیبانی از ولایت فقیه و خط امام پشتیبانی از قرآن و اسلام است.

مختصری از زندگی نامه شهید  
در هفتم تیرماه سال ۱۳۴۱ در خانواده ای مذهبی در بغداد آباد مهریز گوهری زبیده در دامن مادری شایسته جای گرفت که او را بمانعلی نام نهادند. وی تحصیلات خود را تا دیپلم ادبی در مهریز گذراند. او شاعری دلسوخته، قاری قرآن و خطاطی هنرمند بود که از هنر خویش در راه اشاعه ارزش های اسلامی مدد می جست.

بمانعلی با قبول در کنکور برای ثبت نام در تربیت معلم شهید پاکنژاد به یزد آمد و پس از ۲۰ روز به جبهه رفت و در عملیات فتح المبین شرکت







دانشگاه اصفهان

صاحب امتیاز:

دانشگاه فرهنگیان یزد